

گروه ژئوپلیتیک و دیپلماسی

# ژئوپلیتیک حوزه خزر، دیپلماسی و منافع ایران

تحلیل‌گر:

دکتر عبدالرضا فرجی راد

تابستان ۱۴۰۰

<https://chat.whatsapp.com/GmP1dlgEV4a1Xof46zeGUq>

## فهرست

- مقدمه: ..... ۲
- ژئوپلیتیک خزر: ..... ۲
- رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای با قدرت‌های جهانی: ..... ۳
- رقابت قدرت‌های درون منطقه‌ای: ..... ۳
- ژئوپلیتیک انرژی در حوزه خزری: ..... ۵
- بنیادگرایی و تحرک تروریسم در منطقه: ..... ۷
- بحران زیست محیطی و هیدروپلیتیک در منطقه: ..... ۸
- اختلافات مربوط به تقسیم دریا و بهره‌برداری از آن: ..... ۹
- جمع بندی: ..... ۱۰
- ارائه راهکار در خصوص ژئوپلیتیک خزر و تأثیرات منطقه ای آن: ..... ۱۰

### مقدمه:

حوزه خزری حوزه‌ای نسبتاً وسیعی است که در چند دهه اخیر کارکرد آن متنوع شده بر خلاف آنچه که در دهه‌های قبل از آن یعنی در زمان اتحاد جماهیر شوروی بیشتر کارکرد امنیتی داشته است. دریای خزر همچون نگینی در وسط این حوزه جغرافیایی قرار گرفته که این دریا سواحل ۵ کشور روسیه، قزاقستان، ترکمنستان،

آذربایجان و ایران را تشکیل می‌دهد. هرچند تأثیرگذاری این نگین بر کشورهای ساحلی تا حدودی بر کشورهای مجاور هم کشیده می‌شود.

### ژئوپلیتیک خزر:

از نظر تاریخی در حوزه پیرامونی خزر اقوام مختلفی زندگی می‌کردند که تا قبل از شکل‌گیری دولت-ملت‌ها بصورت رمه‌گردانی زندگی می‌کردند. بسیاری از آنها احتمالاً برای پیدا کردن چراگاه‌های بهتر بسمت شمال‌غرب یعنی دامنه کوه‌های آرال مهاجرت کرده و حتی بعضی- از آنها مثل قوم مجار سپس به حرکت خود ادامه داده و در جلگه مجار مستقر شدند. گروهی به سمت غرب دریا و آسیای صغیر رفته و در آنجا چراگاه‌های بهتری را پیدا کردند. گروهی هم بسمت جنوب حرکت کردند. بخشی- از آنها هم در همین منطقه جابجا و یا مستقر شدند و امروز با نام همان اقوام و قبایل دولت-ملت‌هایی شکل گرفته است.

در قرون جدید تزارهای روس موفق شدند بر حوزه پیرامونی خزر سلطه یابند. این سلطه در دوره شوروی نیز ادامه یافت تا اینکه در ۱۹۹۱ با فروپاشی امپراطوری شوروی کشورهای جدیدی به جای تنها کشور شوروی ایجاد گردید که فاکتورهای ژئوپلیتیکی جدیدی نیز بر منطقه شامل گردید. بعضی- از عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر منطقه را می‌توان بصورت ذیل مورد اشاره قرار داد:

- ✓ رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای با قدرت‌های جهانی
- ✓ رقابت قدرت‌های درون منطقه‌ای
- ✓ ژئوپلیتیک انرژی در حوزه خزری
- ✓ بنیادگرایی و تحرک تروریسم در منطقه
- ✓ بحران زیست محیطی و هیدرو پلینیک در منطقه
- ✓ اختلافات مربوط به تقسیم دریا و بهره‌برداری از آن.

### الف) رقابت قدرت‌های منطقه‌ای با قدرت‌های جهانی:

چند مسأله باعث گردید که قدرت‌های خارج از منطقه به حوزه جغرافیایی خزر پس از فروپاشی شوروی توجه نشان دهند. شاید بتوان گفت که اولین عامل نفوذ در روسیه جدید و کشورهای تازه استقلال یافته خزری بود که تلاش می‌کردند تا قبل از اینکه فدراسیون روسیه بتواند سری بلند کند از حضور ضعیف یلتسین در قدرت استفاده نموده و جای خود را در روسیه و کشورهای جدا شده منطقه محکم کنند. بویژه آنکه پس از فروپاشی مدت زمان زیادی طول نکشید که بحران عظیم چچن جهت تلاش برای استقلال رخ داد که فرماندهان چچنی توانستند بر همه این جمهوری مسلط شوند و حتی اعلام استقلال نمایند. اگر بیماری یلتسین و جایگزینی وی با پوتین اتفاق

نیفتاده بود الان معلوم نبود که جمهوری چچن و دیگر جمهوری‌های مسلمان نشین چه سرنوشتی از نقطه نظری امنیت سرزمینی روسیه می‌داشتند.

هر چند پوتین با ویران کردن چچن موفق شد کنترل این جمهوری را به دست گیرد و ثبات نسبی برقرار نماید ولی رقابت ژئوپلیتیکی در این حوزه با تلاش ناتو جهت عضوگیری از آذربایجان و گرجستان ادامه یافت بطوریکه آذری‌ها بخاطر سیاست نزدیکی به غرب دو بار جنگ را به ارمنستان که از سوی روسیه حمایت می‌شد باختند و علاوه بر قره‌باغ حدود ۲۰ درصد از خاکشان را از دست دادند. آذری‌ها با کاهش تمایل نزدیکی به ناتو، دخالت دادن ترکیه و اسرائیل در امور دفاعی و نظامی و نیز روابط تیره پاشینیان با مسکو و متمایل به غرب فرصتی بدست آوردند که در سال گذشته قسمت اعظم خاک خود را آزاد کنند. تاکنون روس‌ها در مقابل هرگونه تحرکی از سوی غرب برای نزدیکی به مرزهای فدراسیون روسیه عکس‌العمل تند نشان داده‌اند و از دست رفتن قره‌باغ ارمنی، آبخازیا و اوستیای شمالی گرجی و شبه جزیره کریمه اوکراینی علائم بدی است برای کشورهای حوزه که در این رقابت ژئوپلیتیکی که بخواهند علیه امنیت روسیه اقدام کنند.

علاوه بر رقابت روسیه و قدرت‌های غربی که مورد اشاره واقع شد رقابت ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران نیز در حوزه خزری قابل توجه بوده است. نزدیکی غرب و اسرائیل به آذربایجان و سرمایه‌گذاری‌های گسترده بویژه در بخش انرژی و تشویق فعالیت‌های پان‌ترکیسم از جمله این اقدامات در غرب دریای خزر بوده است. در شرق خزر نیز به رغم تمایل شدید دو کشور ترکمنستان و قزاقستان جهت عبور خطوط لوله‌های انرژی از طریق ایران به دریاهای آزاد فشار امریکا چنین اجازه‌ای را برای این اقدامات مهم که وزن ژئوپلیتیکی ایران را افزایش میداد، نداد. در عوض امریکا تلاش نمود که خط لوله تاپی را که به امضای رؤسای جمهور ترکمنستان، افغانستان و پاکستان رسید گاز ترکمن‌ها را به دریای آزاد برساند.

## ب) رقابت قدرت‌های درون منطقه‌ای:

در درون حوزه خزری سه قدرت منطقه‌ای تأثیر گذارند؛ روسیه، ترکیه و ایران.

در واقع هر سه قدرت سرحدشان به درون کشورهای این منطقه کشیده می‌شود. در اینجا لازم است توضیحی در رابطه با مرز و سرحد بدهم. مرز (border یا boundary) همان خط مشخص مرزی است که از نظر بین‌المللی دو کشور را از هم جدا می‌کند. اما سرحد (frontier) می‌تواند به آنسوی خط مرزی هم کشیده شود. معمولاً گفته می‌شود سرحد تا اونجایی ادامه پیدا می‌کند که نفوذ فرهنگی وجود داشته باشد و بر روی این بستر فرهنگی بتوان فعالیت سیاسی، اقتصادی با کارکرد مثبت انجام داد. در سواحل خزری و کشورهای پیرامونی آن هر سه کشور ایران، ترکیه و روسیه دارای سرحد هستند و در هم تداخل دارند و بعضاً این تداخلات به رقابت منجر می‌شود. مثلاً در آذربایجان بین ایران و ترکیه یا در ازبکستان و تاجیکستان بین ایران و روسیه. مثلاً اگر بخواهم مثالی برای توضیح بیشتر بزنم به مسأله خط در تاجیکستان اشاره می‌کنم. تاجیک‌ها به زبان فارسی با لهجه تاجیکی صحبت می‌کنند. در ابتدای استقلال بخاطر نبود امکانات چاپی مناسب ایران کتاب‌های درسی مدارس را چاپ کند و به آن کشور ارسال نماید. یکی دو دوره هم اگر اشتباه نکنم با همکاری معاونت آموزشی و پژوهشی - وزارت خارجه و معاونت پژوهشی - کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش چاپ و ارسال شد. البته رییس جمهور وقت تاجیکستان اقدامات مؤثر دیگری هم برای نزدیکی دو کشور و به نحوی گسترش سرحد ایران را انجام داد ولی همه مطلع هستیم که روس‌ها با همکاری عواملی شرایطی را در کشور بوجود آوردند که رییس جمهور وقت کنار گذاشته و هنوز که هنوز است تاجیکستان با خط روسی (سیریلیک) آموزش می‌دهد و مردم زیادی نیستند که بتوانند زبان

فارسی را بخوانند و بنویسند. اینگونه مثال‌ها را می‌توان در مورد بقیه کشورهای منطقه ذکر نمود. حدود ۱۵۰ سال وابستگی به روسیه تزاری و امپراطوری شوروی، قرن‌ها نفوذ امپراطوری عثمانی و قرن‌های قدیمی‌تر مربوط به چسبندگی این کشورها به ایران این سرحدات را برای این سه قدرت بوجود آورده است.

تا قبل از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌ها فقط سرحد روس‌ها فعال بود ولی بعد از استقلال ایرانی و ترک‌ها توانستند به نحو چشمگیری فعال شوند. با ریشه‌گرفتن این کشورها و سستی و بی‌توجهی مقامات ایرانی و عدم شناخت نسبت به اهمیت موضوع بتدریج از حضور و نفوذشان کاسته شد و ترک‌ها و روس‌ها به فعالیت خود ادامه دادند. الان در بعضی کشورها همچون آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان روس‌ها و ترک‌ها بسیار فعالتر از ایرانند.

اخیراً پس از فوت اسلام کریمف رییس جمهور سابق ازبکستان رهبری جدید آقای ضیایف رابطه خوب با ایران را در صدر برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داد و بنا به گفته سفیر آن کشور در تهران ۵۰۰ میلیون دلار برای سرمایه‌گذاری در بندرعباس تأمین بودجه و اختصاص داده شده که تاکنون بهره‌برداری نشده است. حتی طرح‌هایی را جهت ایجاد خط آهن و اتوبان از مرز ترمز در افغانستان تا مرز ایران در دستور کار قرار داده‌اند. ازبکستان به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور آسیای مرکزی با موقعیت جغرافیایی مناسب می‌تواند دروازه‌ای برای ورود ایران به حوزه شرق خزر باشد و مجدداً فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در صورت اتخاذ یک سیاست خارجی مناسب، فعال و اعتمادساز دنبال گردد. در منطقه غرب خزری نیز باید از فرصت‌ها با گفتگوهای بیشتر و اعتمادساز شرایط برای رقابت بهتر ما فراهم گردد. در این حوزه علاوه بر ایران، روسیه نیز در سرحد خود تا حدودی تحت فشار است. در بخش راهکاره به اقداماتی که می‌توان انجام داد اشاره می‌کنم.

### ج) ژئوپلیتیک انرژی در حوزه خزری:

عامل ژئوپلیتیکی دیگری که بر سیاست‌های منطقه خزری تأثیر می‌گذارد انرژی است. از بعد از فروپاشی با توجه به ارزیابی‌هایی که وجود داشت و نیز بعداً بدست آمد شرکت‌های غربی این منطقه را یکی از مناطق پر اهمیت جهان از نقطه نظر انرژی برآورد کردند هر چند که در سال‌های اخیر اعلام نمودند که برآورد آنها از میزان انرژی منطقه کمتر از آنچه حدس زده بودند می‌باشد. در رابطه با نفت و گاز نفت دو فاکتور را باید در نظر گرفت: یکی کشوری که دارای نفت باشد و دیگری مالکیت گاز و یا صاحب هر دوست که طبیعتاً بر وزن ژئوپلیتیکی آن افزوده می‌شود و سرمایه‌گذاری را در آن کشور هم قابل اطمینان می‌شود. در این میان روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان جایگاه خاصی دارند. هر چند که در ازبکستان به میزان بسیار کمتری انرژی وجود دارد. در میان کشورهای حوزه خزری ایران هنوز نتوانسته نقشی قابل توجه در زمینه انرژی بازی کند و اگر بعضاً خداوند متعال خواسته کمکی به این کشور بنماید که در این زمینه کمی فعال شود بخاطر ندانم‌کاری و ناکارآمدی فرصت‌ها را از دست داده که در لابلای مطالبیم به آنها اشاره خواهیم کرد.

روسیه که سابقه قدیمی در استخراج و صادرات نفت و گاز دارد که تولیدات عظیم نفتی و گازی خود را در داخل مصرف نموده و وبخش زیادی را هم به خارج و عمدتاً اروپا صادر می‌کند. هرچند که در سال‌های اخیر به فکر صادرات به شرق دور از طریق احداث خط لوله افتاده است. بخش عمده‌ای از نفت و گاز اروپای شرقی و اروپای

مرکزی و تا حدی حوزه مدیترانه را تأمین می‌کند. در اینجا شاهد هستیم که اروپا علاوه بر تهدیدی که از طریق نظامی از سوی روسیه احساس می‌کنند در رابطه با انرژی نیز نگرانی‌های قابل توجهی دارند که بعضاً همچون در رابطه با درگیری‌های روسیه و اوکراین شاهد قطع انرژی از سوی روسیه بوده‌اند.

آذربایجان و قزاقستان نیز دو کشوری هستند که عمدتاً تولیدکننده نفت هستند و با سرمایه‌گذاری‌هایی که در این دو کشور صورت گرفت هم اکنون با حداقل نگرانی نفتشان به بازار سرازیر می‌شود. از بعد از استقلال رقابتی بین شرکت‌های غربی و روسی برای سرمایه‌گذاری نفتی صورت گرفت که قزاق‌ها و آذری‌ها برای خاتمه غائله سهمی را برای شرکت روسی قائل شدند. در این میان ترکمنستان بیش از قزاقستان و آذربایجان برای انتقال گاز خود در فشار بود. تا همین سال‌های اخیر گاز خود را از طریق خط لوله قدیمی با قیمتی بسیار پایین‌تر از معیار جهانی به روسیه می‌فروخت. پس از بحث و جدل‌های زیاد روس‌ها قبول کردند به قیمتی بالاتر خریداری نمایند.

اما غیر از موضوع تولید نفت و گاز در منطقه آنچه که خیلی اهمیت داشت و کار را مشکل می‌کرد صادرات انرژی به بازار بود. تمام این کشورها کشورهایی landlock هستند. حتی روسیه هم تا حدود زیادی وضعیت دیگران را دارد. لذا نفت و گاز منطقه باید از طریق خطوط لوله منتقل می‌شد.

روس‌ها از زمان اتحاد شوروی خطوط لوله‌ای را به سمت اروپای شرقی و یا جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی کشیده بودند ولی پس از شکل‌گیری فدراسیون روسیه مستقل توسعه خطوط و صادرات بیشتر به غرب اروپا ضروری بود. لذا ایجاد خطوط جدیدی را طراحی کردند. مثل لوله‌گازی نورد استریم که گاز روسیه را از طریق دریای بالتیک به آلمان با حجم ۱۵۰ میلیون متر مکعب در روز می‌رساند. یا ترک استریم با ۸۰ میلیون متر مکعب که انرژی روسیه را از طریق دریای سیاه به ترکیه می‌رساند و از آنجا هم به اروپا می‌رسد. نورد استریم ۲ هم پروژه عظیمی است که در حال ایجاد است و صحنه رقابت امریکا و روسیه از یک طرف و صحنه رقابت آلمان و امریکا از سوی دیگر شده است. امریکایی‌ها معتقدند که آلمان به‌عنوان متحد امریکا نباید چنین فرصتی را در اختیار دشمن غرب قرار دهد و این مخالف سیاست‌های همکاری بین امریکا و کشورهای اروپایی علیه نفوذ و توسعه‌طلبی روس‌ها است. در یک قضاوت درست می‌توان گفت که نظر امریکایی‌ها درست است و با توجه به خط لوله نورد استریم یک از نقطه نظر استراتژیک اقدام خانم مرکل اقدامی مناسب بنظر نمی‌رسد. البته این نکته را هم نباید فراموش کرد که امریکا خود تبدیل به یک صادرکننده مهم نفت و گاز تبدیل شده و بخشی از قیل و قال امریکایی‌ها که دست بردار هم نیستند این است که بازار اروپا و آلمان را در اختیار بگیرند. لازم به ذکر است که احزاب فعال آلمانی معتقدند که نباید با روسیه سرشاخ شد و نوعی از همکاری را بویژه در بخش اقتصادی باید با آن کشور دارا بود ضمن اینکه خود آلمان‌ها سهم زیادی در سرمایه‌گذاری و اقتصاد روسیه دارند. لهستانی‌ها که خیلی به روس‌ها حساسند و روابط نسبتاً بدی را تجربه می‌کنند و در میان دو کشور روسیه و آلمان قرار گرفته‌اند تلاش می‌کنند انرژی خود را از منابع دیگری تأمین کنند. لذا درصدد هستند خط لوله‌ای از نروژ به خاک لهستان بکشند. آلمان می‌توانست از همین پروژه برای رفع بخشی از نیازهای خود استفاده کند ولی سیاستی که می‌گوید بگذارید خرس قطبی بهتر است در خواب باشد را ترجیح می‌دهد.

آذربایجان نیز بیشتر نفت خود را از طریق خط لوله باکو تفلیس-جیهان که توسط بریتیش پترولیوم احداث شده صادر می‌کند. بیشتر این خط در خاک ترکیه است و ترک‌ها با نفت ۵۰ دلاری سالیانه بیش از ۶ میلیارد دلار از این خط لوله درآمد دارند. قزاق‌ها نفت خود را از یکسو از طریق خط لوله تنگیز آستاراخان در مسیر شمالی به بندر نوروسیسک روسیه می‌رسانند که خطی قدیمی است. همچنین یک خط لوله‌ای به شرق و به سمت چین کشیده شده که نفت قزاقستان را به بازارهای چین می‌رساند. همچنین قزاق‌ها تلاش داشتند که از طریق خزر و با کشتی

بخشی- از نفت خود را از طریق لوله باکو تفلیس و جیهان صادر کنند. ولی در سال‌های اخیر صادرات قزاقستان به غرب کاهش یافته و بیشتر نفت آن کشور به چین صادر می‌شود. قزاق‌ها از جمله کشورهای حوزه خزری بودند که اصرار داشتند که خط لوله‌ای از طریق جنوب و ایران به دریای آزاد داشته باشند که تحریم‌های امریکا مانعی بود هر چند که برای مدتی ۱۲۰ هزار بشکه نفت خود را در سواحل خزر سوآپ می‌کردند و ایران هم بجای آن از خارک صادر می‌نمود.

ترکمنستان خط لوله بسیار طولانی گاز خود را به چین افتتاح کرده و تا حدود زیادی از منوپولی روسیه خارج شده‌اند، در صددند که از زیر دریا خط لوله‌ای به ترکیه بکشند که روس‌ها با طرح مسایل محیط‌زیستی خزر با آن مخالفت کرده‌اند. پروژه‌ای را با ایران تعریف کرده‌اند که خط لوله ای از طریق سواحل خزری ایران و آذربایجان به ترکیه کشیده شود. به نظر می‌رسد دولت موافق بوده ولی وزارت نفت با این استدلال که رقیب ایران می‌شوند مخالفت نموده است. البته شاید در کوتاه مدت نظر وزارت نفت درست باشد ولی از نقطه نظر استراتژیک و دراز مدت به نفع ایران می‌باشد که تنها فرصت ایجاد شده هم در حال سوختن است.

ترکمن‌ها توافقی را هم با رئیس‌جمهور افغانستان و نخست وزیر وقت پاکستان به امضا رساندند که خط لوله‌ای تحت نام تاپی پس از عبور از غرب افغانستان و پاکستان گاز ترکمنستان را به آب‌های گرم جنوب برسانند که تشدید درگیری‌ها در افغانستان و عدم وجود امنیت اجرای آن را به تعویق انداخته است. البته امریکایی‌ها از این پروژه حمایت می‌کردند و این احتمال وجود دارد که اجازه ندهند خط لوله‌ای از ایران عبور کند.

#### **(د) بنیادگرایی و تحرک تروریسم در منطقه:**

زمان زیادی طول نکشید که پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌ها، بنیادگرایی در حوزه خزری خود را نشان داد. شاید سه عامل را بشود برای آن ذکر نمود:

اول آزاد شدن مسلمانان از سلطه کمونیسم و تغذیه فوری آنها توسط نهادهای مذهبی وابسته به دولت‌هایی همچون عربستان که از خلا قدرت در روسیه و جمهوری‌های مسلمان‌نشین برای تبلیغ استفاده کردند.

دوم حوادث چچن که رهبری آنرا مسلمانان به عهده داشتند و هرچه درگیری‌ها بیشتر می‌شد تندروی اسلامی هم افزون می‌گشت و به حوزه پیرامونی نیز سرایت می‌کرد.

سوم تحولات بنیادگرایی در افغانستان که حضور القاعده، طالبان و گروه‌های دیگر اسلامی تندروی‌ها در حوزه خزر را نیز تشدید می‌نمود.

این تندروی‌ها بیشتر در شمال یعنی قفقاز شمالی و شرق خزر قابل مشاهده بود و در غرب خزر و قفقاز جنوبی کمتر قابل توجه بود. علت آن مشخص نیست ولی شاید بتوان گفت که در غرب خزر به‌خاطر مذهب اکثریتی شیعه کمتر تأثیرپذیری وجود داشت ولی در شمال و شرق خزر چون اکثرآ از اهل سنت بودند بیشتر تأثیر می‌گذاشت. نتیجه بروز و ظهور بنیادگراها در منطقه این بود که سال‌ها عملیات تروریستی در روسیه، قزاقستان، ازبکستان و بعضی- نقاط دیگر صورت گرفت و با آغاز بهار عربی و حرکت آنها بسوی سوریه که فقط بیش از ۷ هزار نفر از روسیه عازم شدند عملیات منطقه‌ای فروکش کرد. البته می‌توان گفت که بنیادگرایی در حوزه خزری ریشه دوانده و آتش زیرخاکستری است که با تضعیف حاکمیت‌ها می‌تواند روشن شود. به همین جهت دولت‌های منطقه یکی از

نگرانی‌های امنیتی‌شان همین گسترش و فعالیت تحرکات تروریستی در منطقه است. با تحولات اخیر در افغانستان و امکان بازگشت طالبان به قدرت دور از ذهن نیست که بنیادگرایی در حوزه خزر روحیه گرفته و تقویت شود.

### ه) بحران زیست محیطی و هیدروپلیتیک منطقه:

هیدروپلیتیک و محیط زیست حوزه خزری مدت زمانی است که به یک مسأله بغرنج تبدیل شده است. در شرق خزر به دلیل میزان بارش کم این موضوع بیشتر خود را نشان می‌دهد. بطوریکه کشورهای منطقه بعضاً موضع‌گیری‌های سیاسی می‌نمایند.

حوزه آبی آرال در این منطقه به عنوان مهمترین اکوسیستم آبی آسیای مرکزی زندگی سیاسی و اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار داده است. این دریاچه که در گذشته چهارمین دریاچه جهان محسوب می‌شد به دلیل اقدامات غیر مسئولانه و عدم آینده‌نگری در یک دوره ۶۰ ساله تقریباً در معرض خشک شدن قرار گرفته است. میراثی که با مدیریت روس‌ها در دوره اتحاد جماهیر شوروی شروع شد و با بی‌تدبیری و درگیری بین کشورهای بالا دستی و پایین دستی دو رودخانه سیحون و جیحون که دو منبع اصلی آب دریاچه هستند سیری به شدت رو به قهقرا دارد و پیامدی جز خشک شدن کامل وجود ندارد. اختلافات سیاسی بین کشورهای منطقه، عدم آینده‌نگری و عدم فرهنگ پایین مصرف، سیستم آبیاری قدیمی و پرمصرف و فقر تکنولوژی، اقتصاد تک محصولی وابسته به کشت پنبه و نیز روی آوردن به کشت جایگزینی همچون برنج که با اکوسیستم منطقه سنخیت ندارد در آینده می‌تواند به مشکلی ژئوپلیتیکی در آید.

این نگرانی می‌تواند وجود داشته باشد که با کم شدن آب کشورهای پایین دستی همچون ترکمنستان برای جایگزینی و جبران کمبود به استفاده از آب دریای خزر با کمک دستگاه‌های آب شیرین‌کنی روی آورند که این خود می‌تواند به افزایش بحران زیست محیطی دریا با شور شدن بیشتر و انباشته شدن نمک بیفزاید.

طبیعت دریای خزر آن را منزلگاه جانوران و گیاهان منحصر به فردی کرده، ولی در مقابل همین طبیعت بسته باعث شده آنها در مقابل آلودگی‌های کشاورزی و صنعتی بسیار آسیب‌پذیر باشند. آلودگی معضلی جدی و خطرناک برای این دریای پهناور است. بطوریکه با ورود سالیانه هزاران تن آلودگی از کشورهای حاشیه خزر بویژه آلودگی ناشی از عملیات اکتشاف و استخراج نفت محیط دریا را آلوده کرده و گونه‌های زیستی این دریا را در معرض خطر جدی قرار داد. در کنار آلودگی‌های روز افزون دریا، تکثیر نوعی شانه‌دار مهاجم در آب‌های خزر اکوسیستم دریا را آسیب‌پذیر کرده است. تکثیر این شانه‌دار مهاجم که از پلانکتون‌ها تغذیه می‌کند، باعث کاهش چشمگیر آنها که منبع تغذیه ماهی‌های کوچک خصوصاً کیلکا شده و زنجیره غذایی آبزیان را بهم زده است. کاهش ده برابری ماهی کیلکا در خزر که خود منبع تغذیه آبزیان بزرگتر هستند، باعث آفت چشمگیر ماهی‌های خاویاری و فک در دریا شده است. علت ورود مواد آلاینده تأسیس کارخانه‌های صنعتی و شیمیایی در حاشیه خزر و رودهای منتهی به آن جهت دفع پسماندهای شیمیایی است. بطور مثال روسیه ۴۵ درصد از کارخانه‌های صنعتی و ۵۰ درصد از



کارخانه‌های فرآوری محصولات کشاورزی خود را در حاشیه ولگا قرار داده است. آذربایجان دارای بدترین تأسیسات به لحاظ آلودگی محیط زیستی است. این آلودگی‌ها به علت شیب تند بسمت سواحل ایران می‌آید. از طرف دیگر فاضلاب‌های خانگی، صنعتی، کشاورزی، بیمارستانی و شیرابه‌های حاصل از انباشت زباله بیشتر از سمت ایران، ترکمنستان و قزاقستان است که بعد از روسیه و آذربایجان بیشترین سهم را در آلودگی دارند. هر چند که ۸۰ درصد آلودگی رودخانه‌ای متعلق به ولگای روسیه و رودخانه‌های آذربایجان است.

## و) اختلافات مربوط به تقسیم دریا و بهره‌برداری از آن:

دریای خزر اگر چه قرن‌هاست که دریا نامیده می‌شود ولی بطور طبیعی به دریای متصل نیست. بنابراین رژیم حقوقی منحصر- به فرد خود را دارد. تا پیش از فروپاشی و اضافه شدن سه کشور ساحلی دیگر، وضعیت حقوقی دریای خزر توسط معاهدات مربوط به دوره تزارها و شوروی مشخص شده بود که آخرین آن معاهده ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی بود. براساس قرارداد ترکمنچای، ایران از داشتن نیروی دریایی در دریای خزر محروم گردید اما در عهدنامه دوستی ایران و روس در ۱۳۰۰ به تساوی به ایران و شوروی حق کشتیرانی جنگی و غیر جنگی داده شد. در ۱۹۹۱، ایران و روسیه خواهان آن بودند که کشورهای ساحلی بطور مشاع از این دریا استفاده کنند هر چند که سه کشور دیگر خواهان تقسیم بودند. نهایتاً در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، روسیه با قزاقستان و سپس با آذربایجان پروتکل دوجانبه‌ای را به امضا رساندند. بطورکلی کشورهای ساحلی با توافق بر موضوعات مورد اختلاف در قالب کنوانسیون‌هایی که آخرین آن کنوانسیون ۲۰۱۸ اکتائو در قزاقستان بود دیدگاه‌های خود را نزدیک کردند. هرچند که هنوز سه کشور ایران، ترکمنستان و آذربایجان نتوانستند در مورد تقسیم آب‌های خود تاکنون به توافق برسند. آذربایجان و ترکمنستان سهم سه درصدی را برای خود پیشنهاد داده‌اند هر چند که سهم سه درصدی پیشنهادی جمهوری اسلامی مورد بحث است. با توجه به عمق آب در سمت ساحل ایرانی و وجود امکانات و شکل ساحل لازم است طرف ایرانی شواهدی را ارائه و بر آنها پافشاری نماید که همراه با دوکشور دیگر سهمی برابر بدست آورد. شاید بتوان بر موضوعات ذیل تأکید نمود:

- ✓ -جمعیت فراوان در ساحل ایرانی با تأکید بر اینکه این جمعیت قبلاً از نیمی از دریا می‌توانسته استفاده کند.
- ✓ -داشتن حق آب و گل و با توجه به اینکه ایران ضررکننده اصلی این حوادث سیاسی بوده و سه کشور دیگر بهره برده‌اند.
- ✓ -اشاره به بالا آمدن آب در چند دهه اخیر و اینکه خط جزر بر اساس تصاویر روزنامه‌ای و غیره پایین‌تر بوده و ساختمان‌ها و بناها می‌تواند معیار باشد.

با توجه به تعجیل دو کشور دیگر بر تقسیم و استفاده از منابع دریا عدم تعجیل و بردباری ایران می‌تواند نتیجه بخش باشد. اگر استدلال در مورد بعضی فاکتورها ضعیف هم به نظر می‌رسد باید بر آنها تأکید نمود.

## جمع بندی:

در رابطه با موضوع مطرح شده ژئوپلیتیک خزر، فراموش نکنیم که حوزه خزری و پیرامون آن یک منطقه جغرافیایی پر اهمیت برای ایران است که غفلت از آن می‌تواند خسارات جبران ناپذیری را به کشور وارد نماید. لذا همه پارامترهای ژئوپلیتیک در این حوزه باید مورد توجه قرارگیرد. بطور مثال در همین درگیری اخیر که منجر به شکست ارمنستان شد به نحوی و غیر مستقیم کشور ما هم متضرر گردید و با توجه به توافق تحمیلی بر ارمنستان اگر با دقت و از نزدیک مسائل را پیگیری نکنیم می‌تواند توافقات و معاملاتی البته احتمالی صورت پذیرد که ژئوپلیتیک منطقه به ضرر ما تغییر کند و ارتباط کشور ما با ارمنستان قطع گردد. همینطور در ارتباط با مسائل قومی، خطوط انتقال انرژی و غیره که اهمیت هیچکدام از بحث تقسیم دریا بین ما و دو کشور همسایه کمتر نیست. همانطوریکه در ابتدای بحث عرض کردم سه سرحد با هم در تداخل هستند ولی یکی از آنها که اتفاقاً ریشه‌دارتر در منطقه است فعال نیست و البته که فعال شدن در آن بخاطر فرصت‌های از دست داده شده و توانایی‌های رقبا کار ساده‌ای نیست و حتی بسی- مشکل به نظر می‌رسد. اما به هیچ‌وجه غفلت و صرف‌نظر کردن از این امتیاز ژئوپلیتیک بخشودنی نخواهد بود. برای ورود تدریجی و عدم تحریک‌پذیری لازم است از راه حل‌های جمعی استفاده نمود که در بقیه مناطق دنیا نیز مؤثر بوده است.

## ارائه راهکار در خصوص ژئوپلیتیک خزر و تأثیرات منطقه ای آن:

همانطوریکه اشاره شد همکاری ترکیه و روسیه بخاطر استفاده از فرصت‌هایی که داشته‌اند با کشورهای حوزه خزری بسیار بیشتر، نزدیکتر و کاراتر است. هرچند رقابتی بین این دو در منطقه وجود دارد ولی بنحوی صبورانه با یکدیگر برخورد می‌کنند که این رقابت به تنشی- منجر نشود که منافع آنها بخطر بیفتد. جمهوری اسلامی بخاطر فرصت‌هایی که در زمان‌های خاص از دست داده و یا اتخاذ سیاست‌هایی در منطقه که با سیاست‌های داخلی کشورهای حوزه هم‌خوانی نداشته و یا در تضاد بوده از غافله عقب مانده است. لذا ورود و حضور جدی در منطقه بطور مستقیم عملی نمی‌باشد زیرا که بسیاری از ظرفیت‌های خالی در منطقه با فعالیت‌های دیگر قدرت‌ها پر شده و لذا انجام اقدامی جمعی که بتواند به نحوی تقسیم منافع برای همه کشورهای منطقه خزری گردد امکان‌پذیر است. این اقدام جمعی از طریق شکل‌گیری یک همگرایی منطقه‌ای امکان‌پذیر است. مبنای کار این همگرایی باید اقتصادی باشد تا بخاطر حساسیت‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی با حداقل موانع بتوان کار را شروع کرد. این همگرایی علاوه بر کشورهای ساحلی خزر می‌تواند کشورهای فعال دیگر منطقه‌ای و نیز کشورهای پیرامونی نوعی تداوم کار فرهنگی در منطقه دارد را در برگیرد. در واقع شامل ترکیه، ارمنستان، گرجستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و پاکستان و افغانستان هم می‌شود. براین مبنا همگرایی تحت عنوان حوزه خزری شکل می‌گیرد که کشورهای عضو اصول زیر را برای عضویت باید رعایت کنند:

۱- ظرف دو سال باید تمهیداتی فراهم گردد که کشورهای عضو بتوانند معاملات تجاری خود را با پول‌های ملی انجام دهند. منظور از معاملات تجاری بجز پروژه‌های بزرگ و زمانبر است.

۲- کشورهای خواهان عضویت باید تا حداکثر سه سال لغو روادید بین اعضا را لغو نمایند.

۳- شرکت‌های مشترک گردشگری خصوصی با کمک اولیه دولت‌ها بین اعضا باید شکل بگیرد تا رفت و آمدها و توسعه گردشگری بین اعضا رونق گیرد.

۴- گسترش بازارچه های مرزی بین کشورهای عضو تا مرز نشین ها از منافع اقتصادی آن بهره برده و تولیدات هر کشوری بین اعضا توزیع گردد.

۵- تعرفه های گمرکی حداکثر ظرف دو سال بین اعضا حذف گردد.

۶- یک شرکت هواپیمایی مشترک ایجاد گردد که صرفاً بین پایتخت ها و شهرهای بزرگ کشورهای عضو پرواز داشته باشد و شهروندان کشورهای مربوطه از تخفیف ۵۰ درصدی بهره ببرند.

۶- برقراری بورسیه های دانشگاهی سالانه بین اعضا و بر اساس میزان جمعیت آن کشور. دانشجویان بورسیه به زبان محل تحصیل آموزش می بینند.

۷- تعهد به عدم دخالت در امور داخلی کشورها و همکاری دولت های عضو برای مبارزه با تجزیه طلبی، افراط گری و تروریسم، مواد مخدر.

۸- کمک کشورها عضو به حل و فصل اختلافات ارضی بین کشورها منطقه در چارچوب کمیته ای که شکل می گیرد.

لازم به ذکر است که برای هر اقدامی باید رعایت مدّت زمان تعیین شده مشخص گردد تا سرنوشت این همگرایی به سرنوشت سازمان آکو دچار نشود. همگرایی حوزه خزری پس از موفقیت می تواند به یک همگرایی بزرگتر منطقه ای تحت عنوان همگرایی چهار دریا یعنی کشورهای که در حوزه چهار دریای سیاه، مدیترانه، خزر و خلیج فارس واقع شده اند را در برگیرد، یعنی کشورهای حوزه خلیج فارس و شام را هم شامل شود.